

افزایش حقوق
پاکبان های ایرانی

محسن قزاتلو، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، از کاهش تعداد پاکبان ها در پی خروج اتباع خارجی خبر داد و گفت: «برای جبران این کمبود، جذب نیروی ایرانی آغاز شده و افزایش حقوق این نیروها در دستور کار قرار دارد.» به گزارش خبرنگاران، او درباره بهبود وضعیت نظافت شهری گفت: «تعداد پیامک های مردمی در خصوص رفت و روپ، تا تیرماه سال جاری حدود ۱۰۰۰ مورد نسبت به سال گذشته کاهش یافته است که نشان دهنده وضعیت بهتر نظافت شهری است.» قزاتلو همچنین درباره تأمین ماشین های مکانیزه برای پیمانکاران، از حذف تدریجی مخازن ساختمان های تجاری خبر داد و گفت: «در این باره مشکل خاصی وجود ندارد و هر پیمانکاری که کمبودی در استفاده از ماشین های مکانیزه داشته باشد، از طرف سازمان مدیریت پسماند آن را فراهم خواهیم کرد. در برنامه مان قصد داریم مخازن ساختمان های تجاری را حذف کنیم و به واسطه استفاده از ماشین های مکانیزه در یک ساعت زمان پندی مشخص جمع آوری پسماند صورت بگیرد.»



آمار نگران کننده فوت کودکان

رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ از فوت ۳۳ کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در تصادفات سال ۱۴۰۳ خبر داد؛ آماري که پنج درصد از کل جان باختگان حوادث رانندگی در پایتخت را شامل می شود. به گزارش ایسنا، او با هشدار نسبت به استفاده غیرقانونی نوجوانان از موتورسیکلت گفت: «۵۸ درصد از جان باختگان این گروه، موتورسواری بدون گواهینامه بوده اند. همچنین ۲۴ درصد از تصادفات عابر پیاده مربوط به کودکان و نوجوانان و ۱۸ درصد نیز سرنشینان خردسال خودروهایی بوده اند که اصول ایمنی در آن ها رعایت نشده بود.» او با تأکید بر ممنوعیت استفاده افراد زیر سن قانونی از وسایل نقلیه، از والدین خواست با رعایت قوانین و ارتقای آگاهی، از جان فرزندان خود محافظت کنند: «کودکان زیر ۱۲ سال یا کودکان با قد کمتر از ۱۳۵ سانت باید از صندلی کودک استفاده کنند.»

حذف دوره شبانه
دانشگاه تهران

محمدحسین امید، رئیس دانشگاه تهران، درباره حذف ظرفیت شبانه در سال های آینده گفت: «ظرفیت بیش از حد نیاز وجود دارد، نگرانی درباره روزانه بی مورد است و تعدادشان تغییری نمی کند. اما نوبت دوم برای حل مشکل مالی انجام شد ولی هم اکنون چندبرابر شهریه، به شبانه خدمات می دهیم. از این رو نه تنها مشکل مالی ما را حل نمی کند، بلکه ما دیگر نمی توانیم به این شکل ادامه دهیم. به همین دلیل ابتدا جذب نوبت دوم محدود می شود، سپس تا دو سال دیگر حذف خواهد شد.» به گزارش ایلنا، امید در پاسخ به خبرنگاری درباره نقش تحریم ها گفت: «در بعضی حوزه ها مانند مسئله آب تحریم نقشی نداشته است ولی در خیلی از موضوعات در رابطه با دانشگاه تحریم موثر است. زمانی دانشگاه اساتید و دانشجویانش را به فرصت های مطالعاتی می فرستاد ولی هم اکنون این کار امکان پذیر نیست. با این وجود تلاش می شود این مشکلات حل شود.»

گزارش میدانی «هم میهن» از خیابان ها و خانه های اطراف انبار نفت که دو ماه پس از حمله اسرائیل به آن، بعضی ساکنانش آنجا را ترک کرده اند

بمب ساعتی زیر پای شهران

گزارش
شهر

شهردار منطقه ۵: جابه جایی انبار نفت در شورای امنیت کشور در حال بررسی است

عکس: CNN

جایی امن نبود. آن شب هیچ خانه ای در اطراف انبار نفت صدمه ندید، اما صدای انفجار هنوز در گوش اهالی است؛ مردمی که بعضی از آنها در همه ۱۲ روز جنگ در خانه های چسبیده به انبار نفت ماندند و آن را تخلیه نکردند. علی تا قبل از جنگ فقط نگران آتش سوزی، انفجار احتمالی و بوی گاز منتشرشده از انبار نفت بود و فکر می کرد حتما کارهایی برای احتیاط و مراقبت از انبار نفت انجام می شود، نگران بود اما کمتر از امروز. او تعریف می کند بوی گاز گاهی آنقدر زیاد است که تا میدان سوم شهران هم احساس می شود. به ویژه زمانی که داخل مخازن گاز تزریق می کنند؛ اتفاقی که همیشگی نیست اما گاهی مثل اوایل تابستان بوی گاز در محله بسیار زیاد است و «در خانه احساس خفگی می کنیم.» علی فکر می کند اگر روزی انفجاری رخ دهد و مخازن انبار نفت منفجر شود، اول همه شهران آسیب می بیند. اجاره خانه های نزدیک به انبار نفت کمی کمتر است و خانه ها سندهای واحد و غیرتفکیک شده دارند. علی تصور می کند آن سختگیری هایی که برای تفکیک کردن فلکه آب و وصل نکردن تلفن خانه های این کوچه وجود دارد، برای این است که مالکان خانه های اطراف انبار نفت را خالی کنند؛ کارهایی که برای محلات دیگر راحت تر انجام می شود. یکی از اعضای خانواده اش که میدان سوم شهران زندگی می کند، به دلیل نگرانی از نزدیک بودن به انبار نفت و نیروگاه برق، مدتی پیش خانه اش را جابه جا کرد و حالا او نزدیک ترین عضو خانواده اش به این مخازن خطرناک است.

محسن هم نزدیک ۱۰ سال است که در محله شهران و نزدیک انبار نفت زندگی می کند و تا قبل از جنگ نگران زندگی در کنار این تاسیسات نفتی نبود. او از پدرش که در شرکت نفت کار می کند بارها درباره انتقال آن شنیده بود، اما باز هم تا ۲۵ خردادماه فکر نمی کرد خطر زیادی داشته باشد: «فقط همان شبی که اینجا را زدند ترسیدیم، قبل از آن نگرانی زیادی نداشتیم. بعد از جنگ انگار بیشتر احساس خطر کردیم.»

آن شب صدای پدافندها او را روی پشت بام خانه کشانده بود و فقط چنددقیقه تا روبه رو شدن با انفجار مخازن فاصله داشت؛ صدای انفجار و آسمانی که به رنگ قرمز درآمده بود و همسایه هایی که از ترس فرار می کردند و به زمین می افتادند. او آن شب هولناک را با این کلمات به یاد می آورد، شبی که ماشین ها از ترس انفجار به هم می خوردند: «آشوب شده بود. قبل از آن، خانه کسی تخلیه نشده بود اما بعد از انفجار، مردم خودشان خانه ها را تخلیه کردند. انبار تا چندروز بعد از انفجار می سوخت و بعد از پایان جنگ منطقه سبز اعلام شد.

محسن هرروز حداقل ۳۰-۲۰ تا تانکر را در خیابان می بیند و به خاطر می آورد که چندبار با مردم عادی و خودروها تصادف کرده اند، چپ کرده اند یا وارد یک فروشگاه شده اند: «یکبار یکی از همین کامیون ها ترمزش برید و رفت داخل فروشگاه رفاه. یکبار هم یک تانکر چپ شده بود و بنزین اش راه افتاده بود توی خیابان. اگر انبار نفت جابه جا شود، ما هم راحت تریم. با این کامیون ها آن هم در دوره جنگ می گفتند اینجا مثل یک منطقه نظامی شده است. همه راضی اند که انبار نفت از اینجا برود.»

او و خانواده اش ۲۵ سال است که در این محله زندگی می کنند و صدای تانکرها همیشه برایش آزاردهنده است. می گوید اینجا مسکونی است و کنار خیابان ماشین پارک می شود، اگر مسیر تردد این تانکرها تغییر پیدا کند، شرایط بهتر می شود، آنها می توانند از سمت دیگری تردد کنند و به اتوبان باکری برسند. او هم بارها بوی بنزین را در خانه اش احساس کرده و دیده است چطور یک تانکر پر از گازوئیل در خیابان چپ کرد و بار گازوئیل آن تا جلوی مجتمع آنها رسیده بود.

در میانه گفت و گو یک تانکر دیگر رد می شود، می گوید: «ببین! اگر این تانکر مشکلی پیدا کند و نتواند ترمز کند، همه ماشین هایی را که در خیابان پارک شده، له می کند. اینجا اگر یک درخت آتش بگیرد یا آتش کوچکی ایجاد شود، بلافاصله آتش نشانی آن را خاموش می کند، چون بسیار خطرناک است و اگر پیشروی کند برای انبار نفت خطرناک است. اینجا باغ و درخت زیاد است.» تا امروز از سمت آتش نشانی و شهرداری درباره حفظ جان ساکنان منطقه در مواقع خطر آموزشی داده نشده است. خانم «م» و خانواده اش نمی دانستند آن شب حمله باید چه کنند؟ آنها فقط می دانستند که باید خانه را رها کنند و به جایی امن پناه ببرند: «آن شبی که مخزن را زدند، ما در خانه بودیم، برق قطع شد و از خانه بیرون آمدیم، نمی دانیم اصلا چطور از خانه خارج شدیم. صدای بسیار عجیبی بود و بعد از آن، آتش و دود بود. خانه را تخلیه کردیم و فقط کمی وسایل بردیم و رقیتم شمال. حدود ۱۵ روز خانه نبودیم.»

تا یک هفته بعد از انفجار هیچ کدام از همسایه های خانم «م» در مجتمع نمانده بودند، فقط نگهبان آن اتاقک کوچک مراقب خانه ها بود. خانم «م» تعریف می کند که خیلی از همسایه ها بعد از جنگ برگشتند و هنوز نگرانند دوباره اتفاقی بیفتد؛ چون «جنگ تمام نشده و انبار نفت هم که همین جاست. پست برق نزدیک اینجا هم خطرناک است. آن را نمی توان جابه جا کرد ولی می شود مسیر تانکرهای انبار نفت را تغییر داد. اگر بشود اینجا را جابه جا کرد خیلی خوب است. موشک به منبع خالی خورده بود، اگر پر از بنزین بود، تا میدان شهران روی هوا می رفت.»

▼ بوی گاز در خیابان های شهران

برای اهالی شهران دیگر هیچ چیز شبیه نیمه شب هولناک ۲۵ خردادماه نیست؛ آنقدر هولناک که علی، یکی از مستاجران ساکن کوچه شش دستگاه، نمی خواهد آن را دوباره به یاد بیاورد. او در میان کوچه دیواربه دیوار انبار نفت ایستاده و از نگرانی حمله دوباره به این مخازن می گوید و تصور می کند، زور مردم به جابه جا کردن این بمب ساعتی نمی رسد.

علی شب حمله به انبار نفت، با صدای انفجار از خواب پرید، اتفاقی که انگار اهالی سال ها بود منتظرش بودند؛ حادثه برای انبار نفت. او بعد از انفجار دو تا سه مخزن، با ترس از خواب بیدار شد و دود و آتشی را که از سمت انبار نفت بلند می شد به چشم دید. او در میان همان آشوب، با خوردهای چند نفر از همسایه های مضطرب و ترسیده را به جایی دورتر از محل انفجار جابه جا کرد و بعد نوبت به خودش رسید که دوهفته خانه اش را تخلیه کند و به



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

خیابان منتهی به انبار نفت شهران در رخوت نیمه مردادماه فرو رفته و ساعت هنوز به شلوغی عصر نرسیده است. سکوت آن را فقط تانکرهای سوخت تاسیسات انبار نفت شمال غرب تهران می شکند؛ هر چند دقیقه، یکی از آنها شیب این خیابان را بالا و پایین می کند و از کنار باغچه های کوچک، رستوران ها، ساختمان های مسکونی، مغازه ها و خودروهای معمولی رد می شود؛ تصویری آشنا برای اهالی شهران که تا پیش از ۲۵ خردادماه، تصور نمی کردند انبار نفت از آنچه فکر می کنند، ترسناک تر باشد.

انتهای خیابان منتهی به انبار نفت، یک دیوار بتنی بلند، تاسیسات را از خانه های اطرافش جدا کرده است. ۱۱ مخزن داخل این محدوده هنوز دیواربه دیوار خانه های مسکونی اند، هنوز گوش به گوش خانه های کوچه شش دستگاه شهران، بمب هایی ساعتی نشسته اند؛ کوچه ای با خانه هایی مسکونی و ساکنانی که حالا از بامداد ۲۵ خردادماه و بعد از حمله اسرائیل به چند مخزن انبار نفت، ترسی تازه به جان شان افتاده است. اهالی آن فکر می کنند اگر داخل آن چند مخزن بنزین بود، چه می شد؟ تا قبل از حمله اسرائیل این بوی گاز، رفت و آمد تمام نشدنی تانکرها و احتمال انفجار مخازن این تاسیسات بود که آنها را نگران می کرد و حالا ترس از حمله دوباره. هشدار درباره حضور یک تاسیسات نفتی در میان منطقه ای مسکونی از سال ها پیش آغاز و بارها از سوی سازمان مدیریت بحران شهر تهران و شورای شهر، خطر حضور آن اعلام شد. نمونه آن روزهای بعد از انفجار بزرگ بندر بیروت بود که مجید فراهانی، رئیس سابق کمیته بودجه شورای شهر تهران اعلام کرده بود: «به واسطه وجود انبار نفت در داخل بافت مسکونی شهران، فاجعه ای دهشتناک تر از بیروت در کمین تهران است.»

تاسیسات انبار نفت شمال غرب تهران سال ۱۳۵۳ در شرایطی در منطقه شهران ساخته شد که خبری از ساخت و ساز در حریم آن نبود، حتی کسی نمی دانست که این تاسیسات روی گسل زلزله شمال غرب تهران یعنی گسل مشا ساخته شده و قرار است آن را به یک بمب هیدروژنی تبدیل کند. فراهانی در سال ۱۳۹۹ و بعد از انفجار بندر بیروت، تعداد تانکرهایی را که روزانه به این تاسیسات تردد می کنند، حدود ۳۰۰ تانکر سی هزار لیتری حمل سوخت اعلام کرده بود که از وسط بافت مسکونی، خیابان ها و کوچه های شهران می گذرند و وارد بزرگراه می شوند.

▼ اگر یک درخت آتش بگیرد...

نزدیک ترین مجتمع مسکونی به انبار نفت، کمی بالاتر از میدان سوم شهران است، مجتمعی بزرگ در سراسیمه خیابانی که از میدان شروع می شود و به آن تاسیسات بزرگ، باغ رستوران ها و مجتمع گردشگری کوهسار ختم می شود. آفتاب کمرنگ شده و رفت و آمدها بیشتر شده است. خانم «م» که نمی خواهد نامی از او بنویسیم، یکی از اهالی این مجتمع است و هنوز هم نگران تانکرهای پر از سوختی است که در خیابان رفت و آمد می کنند.

علی بیت اللهی، رئیس
بخش زلزله شناسی
مهندسی و خطر پذیری
مرکز تحقیقات راه،
مسکن و شهرسازی:

جابه جایی تاسیسات
انبار نفت به دلیل
زیر ساخت های آن
بسیار هزینه بر است
و در این شرایط باید
تمهیدات دیگری
برای تامین امنیت
آن در نظر گرفته
شود. طبق توضیح

بیت اللهی، این منطقه
روی گسل شمال
تهران و تاسیسات
انبار نفت درست در
وسط این گسل قرار
گرفته است: «در
طولانی مدت این
تاسیسات باید جابه جا
شود؛ چون اشراف آن
نسبت به پایین دست
به شکلی است که
اگر حجمی از سوخت
جاری شود، ممکن
است تا اواسط غرب
تهران جریان پیدا کند
و مسیر بزرگی را در
معرض خطر قرار دهد